



دوره اول مدرنیته حاکمیت عقل و خرد است/ مدرنیزاسیون با عوض کردن لباس مردم صورت نمی‌گیرد

دکتر ناصر تکمیل همایون درباره مدرنیزاسیون گفت: دوره اول حاکمیت عقل و خرد است. دومین وجه آن دوره علوم است، علمی که با برداشت‌های گذشته فرق می‌کرده است. سومین ویژگی به شکست اتوریته‌های مذهبی به ویژه در قرون وسطی است و حاکمیت عقل، منطق و علم به پیش برده است. اما این مدرنیزاسیون با ایران یک جنبه دوستانه‌ای پیدا نکرد.

دکتر ناصر تکمیل همایون درباره مدرنیزاسیون گفت: دوره اول حاکمیت عقل و خرد است. دومین وجه آن دوره علوم است، علمی که با برداشت‌های گذشته فرق می‌کرده است. سومین ویژگی به شکست اتوریته‌های مذهبی به ویژه در قرون وسطی است و حاکمیت عقل، منطق و علم به پیش برده است. اما این مدرنیزاسیون با ایران یک جنبه دوستانه‌ای پیدا نکرد. به گزارش خبرنگار مهر، نشست "تجدد در ایران عصر قاجار" با حضور دکتر ناصر تکمیل همایون استاد تاریخ دانشگاه تهران، دکتر صادق زیباکلام استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران و دکتر ابراهیم فیاض استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران روز گذشته 27 آبان ماه در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران برگزار شد.

در این مراسم ابتدا دکتر ناصر تکمیل همایون درباره مدرنیزاسیون گفت: به عقیده من مدرنیزاسیون ربطی به کشورهای مشرق زمین ندارد. پروسه‌ای تاریخی است که بعد از قرون وسطی و شروع رنسانس و انقلاب صنعتی شروع می‌شود و به جایی می‌رسد که خودشان لقب مدرنیزاسیون را به آن می‌دهند که تقریباً اول قرن نوزدهم است.

وی در ادامه گفت: در این دوره اروپا به چند دوره می‌رسد، دوره اول حاکمیت عقل و خرد است. دومین وجه آن دوره علوم است، علمی که با برداشت‌های گذشته فرق می‌کرده است. سومین ویژگی به شکست اتوریته‌های مذهبی به ویژه در قرون وسطی است و حاکمیت عقل، منطق و علم به پیش برده است اما این مدرنیزاسیون با ایران یک جنبه دوستانه‌ای پیدا نکرد. یعنی ما با تمدن غربی و مدرنیزاسیون آشنایی مان، آشنایی دوستانه‌ای نبود شاید در صدر اسلام آشنایی که در آن دوران در دوران ترجمه رخ داد دوستانه بود. یعنی دوران تألیف آشنایی ما به غرب دوستانه بود. اما در این دوران مقداری جنبه سلطه جویی مغرب زمین در کشورهای مشرق زمین همراه با مدرنیزاسیون بوده است.

تکمیل همایون در ادامه گفت: در مغرب زمین نوآوری محصول طبیعی جامعه بوده است یعنی خودزا بوده اما در اینجا تجدد تماماً تقلید از مغرب زمین بوده بدون اینکه بتن و بلوک مغرب زمین را شناخته باشد. اولین برخورداری از مدرنیزاسیون در مشرق زمین جنبه‌های نظامی آن بوده است. یعنی به فرض مثال ما در دوران شاه عباس از امور نظامی مغرب زمین چه از لحاظ تاکتیک نظامی و چه از لحاظ تکنیک استفاده کرده ایم اما در دیگر چیزها با استفاده از سفرنامه‌ها فقط استفاده از یک نوع نظام سیاسی می‌کنند وقتی به آنها می‌نگرند احساس می‌کند که یک نوع حسرت در آنها وجود دارد. من در آن دوران ندیده‌ام که به اصل مدرنیزاسیون پرداخته باشند و در واقع به چرایی آن نپرداخته‌اند و به علت پیدایش این پدیده در غرب پرداخته نشده و آن را نشناخته‌اند.

این استاد دانشگاه گفت: حاکمان ایران باورشان می‌شود که ژنرال‌گاردان می‌خواهد تجدد نظامی ایجاد کند اما وقتی که آثار آن زمان را بررسی می‌کنید یا می‌خوانید می‌بینید ژنرال‌گاردان و همکارانش در عین حال که این کارها را انجام می‌دادند یادداشت‌هایی را از راهها و نقشه‌های ایران و شناخت آنها انجام می‌دادند که برای رسیدن به هند بود یعنی قصد قربت در این تعلیم دادن آنها نبود و به محض اینکه فرانسه با روسیه صلح می‌کند بدون اینکه ژنرال‌گاردان اطلاع داشته باشد آن را به فرانسه بر می‌گرداند و تمام آن پروژه مدرنیزاسیون نظامی متوقف می‌شود.

وی تصریح کرد: در مورد انگلیسی‌ها هم شما در توافقنامه گلستان و ترکمنچای هیچ کدام مدافع و معلم تعلیم و تربیت نظام ایران نبودند این وضعیتی بوده است که ما تا مرگ میرزا عباس داشته ایم. بعد از آن دوران فاز دوم تجدد در ایران شروع می‌شود.

وی در ادامه دوره دوم مدرنیزاسیون را توضیح داد و گفت: کلمه مدرنیته در سال ۱۸۰۱ در فرهنگ لاروس به کار رفته است و معنای مدرنیزاسیون یعنی مدرنیته کردن که همواره قدرتی در پشت آن بوده است که می‌خواهد جامعه را مدرن کند. در دوره قاجاریه پی بردند که این مرکز قدرت غرب است. اندیشه‌های مدرنیته در ذهن افراد یک معنا پیدا می‌کرد و در نهاد سیاست معنای دیگری پیدا می‌کرد.

وی گفت: اگر سیاست موازنه مثبت و منفی در دوره قاجار را درک نکنیم مسائل آنرا نخواهیم فهمید. درست است که مدرنیته را می‌گویند استعمارگران آوردند اما جلوگیری از مدرنیزاسیون توسط استعمارگران صورت نگرفته است. امیرکبیر بحث پرورش دانش و دانش‌آموز را برعکس کرد و به جای اعزام دانشجو به فرنگ، مدرسه دارالفنون تأسیس کرد و در دارالفنون ملا هم آورد و نماز را برپا کرد. مخالفت با دارالفنون ریشه در سطحی نگری و قشری نگری ما دارد.

تکمیل همایون در ادامه گفت: دوران پایانی ناصرالدین شاه بعد از حرکت‌های افرادی مانند سید جمال و روشنگران بود که در اوایل مشروطه خواهی بین مشروطه خواهان توافق وجود داشت اما آن چیزی که باید به وجود بیاید انجام نشد. به هر حال مدرنیزاسیون با عوض کردن لباس مردم صورت نمی‌گیرد.

این استاد دانشگاه در پایان سخنانش گفت: آن تجددی که ما می‌خواستیم تجدد لابراتواری بود اما تجدد بلواری برای ما آوردند. شاید مسیر مدرنیزاسیون در ایران آن مسیری بود که مشروطه خواهان و بعد از آن نهضت ملی داشت. همان کاری که در هند و ژاپن شد اما در ایران نشد.